

به نام خدا



## داستان نفت در ایران



خلیلی، نسیم، ۱۳۶۰ -  
داستان نفت در ایران / نسیم خلیلی؛ تصویرگر شبنم لهراسی؛ ویراستار کتایون صدرنیا.  
تهران: شرکت انتشارات فنی ایران، کتاب‌های نردبان، ۱۴۰۳.  
۱۱۶ ص: مصور.  
کی؟ چی؟ کجا؟  
978-622-344-332-9  
نفت -- ایران -- تاریخ -- ادبیات کودکان و نوجوانان  
Petroleum -- Iran -- History -- Juvenile literature  
نفت -- اکتشاف‌های زیرزمینی -- ادبیات کودکان و نوجوانان  
Petroleum -- Prospecting -- Juvenile literature  
لهراسی، شبنم، ۱۳۷۲ -، تصویرگر  
TNY71  
۶۲۲/۸۲۸ [ج]  
۹۷۲۱۵۶۲

سرشناسه  
عنوان و نام پدیدآور  
مشخصات نشر  
مشخصات ظاهری  
فروست  
شابک  
موضوع  
موضوع  
موضوع  
موضوع  
شناسه افزوده  
رده‌بندی کنگره  
رده‌بندی دیویی  
شماره کتابشناسی ملی



شرکت  
انتشارات  
فنی ایران

کتاب‌های  
نردبان

## داستان نفت در ایران

نردبان بنفش - عمومی | کی؟ چی؟ کجا؟ | کد کتاب ۲۷۳۵

نویسنده نسیم خلیلی / تصویرگر شبنم لهراسی

مدیر پروژه سیدرضا کربوبی

مدیر ادبی فریدون عموزاده خلیلی

مدیر هنری کیانوش غریب پور / مدیر تولید سمیه نوری

دبیران مجموعه مریم عربی، ابراهیم قربان پور

طراح یونیفرم فاطمه هراتی / طراح جلد حامد زاهد

ویراستار کتایون صدرنیا / نسخه‌پرداز معصومه نصابی

چاپ اول ۱۴۰۴ | ۱۰۰۰ نسخه | چاپ خوارزم

حقوق چاپ و نشر این اثر متعلق به شرکت انتشارات فنی ایران است.

میرعماد شماره ۲۴، تهران ۱۵۸۷۷۳۶۵۱۱ ☎ ۰۲۱-۵۴۹۵۹، ۸۸۵۰۵۰۵۵

entesharat.com ✉ entesharat.com

nardebanbooks 📧 nardebanbooks

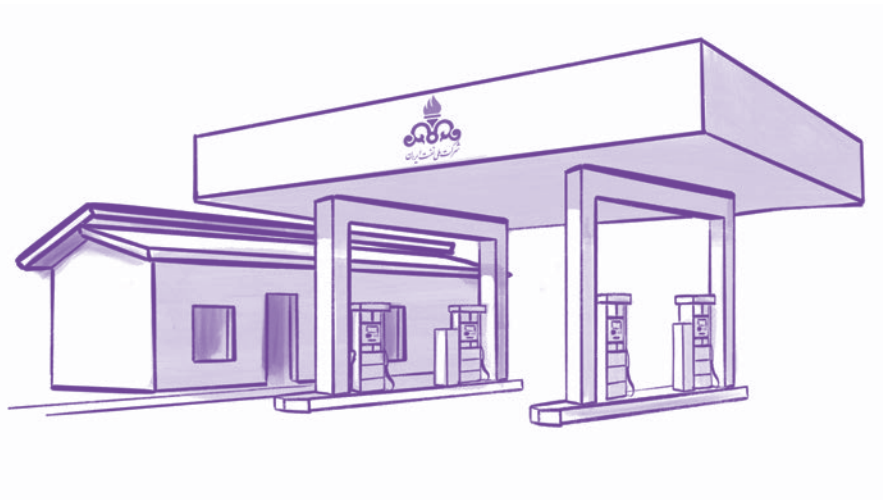
کاغذ این کتاب از جنگل‌های  
صنعتی مدیریت شده  
تهیه شده است.



# داستان نفت در ایران

نسیم خلیلی

تصویرگر: شبنم لهراسبی



## فهرست

مقدمه — نفت را با یک آتش بشناسید! | ۷

۱ — سفر به اعماق چاه‌های نفتی | ۱۲

۲ — بچه‌های نفت | ۳۲

۳ — کار، کار انگلیس‌هاست! | ۴۲

۴ — مصدق و سال‌های ابری | ۶۰

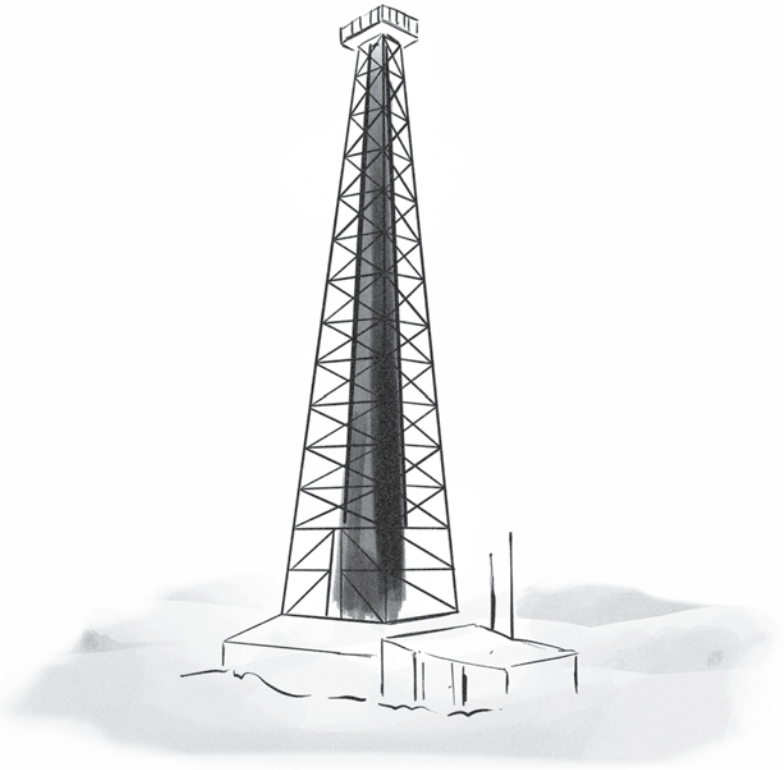
۵ — قلب پالایشگاه می‌تپد | ۹۰

۶ — جنگ نفت‌کش‌ها | ۱۰۱

۷ — مأموریت: نجات زمین | ۱۰۶

— سیر تاریخی نفت در ایران | ۱۱۴

— سیر تاریخی ایران و جهان | ۱۱۵





### نفت را با یک آتش بشناسید!

نوشتن دربارهٔ نفت هم سخت است و هم آسان؛ سخت است برای این‌که اگر بخواهیم این قصه را با همهٔ جزئیاتش تعریف کنیم، چندین جلد کتاب هم کم است و آسان است برای این‌که کافی است بگوییم آن قصهٔ خوب را بخوانید، آن کتاب مفید را دریابید یا آن فیلم تأثیرگذار را ببینید تا تاریخ نفت را در ایران بدانید.

در این کتاب می‌خوانید که نفت چیست، از کی شناخته شد، به چه کار می‌آید، چگونه استخراج و چگونه حمل‌ونقل می‌شود و مهم‌تر از همهٔ این‌ها می‌خوانید که در چه سرزمین نفت‌خیز ثروتمندی زندگی می‌کنید. این را هم می‌خوانید که چون کاشفان نفت از غرب به ایران آمده بودند، تا سال‌ها نفت فقط مال ما نبود. ثروتی بود که به کوشش کارگران ایرانی از زمین شهرها و اقلیم‌هایی



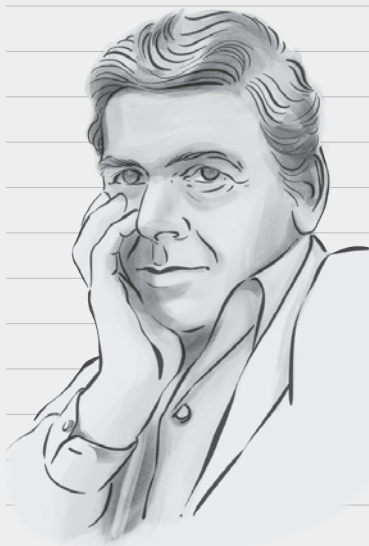
مثل مسجد سلیمان و گچساران و اهواز و آبادان و... بیرون کشیده می‌شد اما بهره‌اش را شرکت‌های نفتی غربی می‌بردند. این واقعیت تاریخ نفت ایران است و درباره‌اش قصه‌ها، کتاب‌ها، فیلم‌ها و عکس‌ها نوشته و ساخته و گرفته شده است. در این کتاب درباره‌ی این قصه‌ها، کتاب‌ها، فیلم‌ها و عکس‌ها حسابی حرف می‌زنیم اما خوب است قبل از این‌که کتاب را بخوانید مستندی به نام «یک آتش» را ببینید، مستندی که به شکلی خلاصه به شما نشان می‌دهد که برای به ثمر رسیدن یک چاه نفت و در امان ماندنش از آتش و ویرانی، چه تعداد آدم دوشادوش یکدیگر عرق ریخته‌اند و کار کرده‌اند. فیلمی که آن را یک نویسنده و فیلم‌ساز ایرانی، ابراهیم گلستان، ساخته و درباره‌ی یک چاه نفت در نزدیکی اهواز در بهار سال ۱۳۳۷ خورشیدی است. در این فیلم می‌بینید که وقتی این چاه کشف می‌شود، جرقه‌ای می‌زند و آتشی برمی‌خیزد و کارگران زحمت‌کش ایرانی، در کنار مهندسان خارجی، در یک همکاری گروهی موفق می‌شوند این آتش را خاموش کنند. شما صدای آن‌ها را از گذشته‌های دور می‌شنوید، صدای پدران و پدربزرگ‌هایمان را که نفت را از اعماق زمین بیرون کشیدند در حالی که همدیگر را به کار بیشتر تشویق می‌کردند: «یالا، بجنب، برو، بیار، زودباش». در همسایگی این کارگران، کشتزاری هم وجود دارد و کشاورزانی که از زمین نه نفت، که گندم بیرون می‌کشند. قصه‌ی نفت در تاریخ ایران

دقیقاً همین چهره را دارد، چهرهٔ زحمت‌کش و آفتاب‌سوخته کارگرانی که تا دیروز کشاورز بوده‌اند و با کشف چاه‌های نفت، کارگر نفت شده‌اند و در کنار دوستان و هم‌ولایتی‌های کشاورزشان، سال‌هاست که دارند چرخهٔ اقتصاد یک سرزمین بزرگ نفت‌خیز را می‌چرخانند.

## بیشتر بدانید



### گلستان نفتی



ابراهیم گلستان (۱۳۰۱-۱۴۰۲) یکی از نویسندگان و فیلم‌سازان معروف ایرانی است که فیلم‌های مستند و داستانی تأثیرگذاری هم به‌ویژه دربارهٔ نفت ساخته که یکی از مهم‌ترین آن‌ها، مستند «یک آتش»، از جشنوارهٔ فیلم کوتاه ونیز جایزه گرفته است. ارتباط گلستان با صنعت نفت در دهه‌های سی و



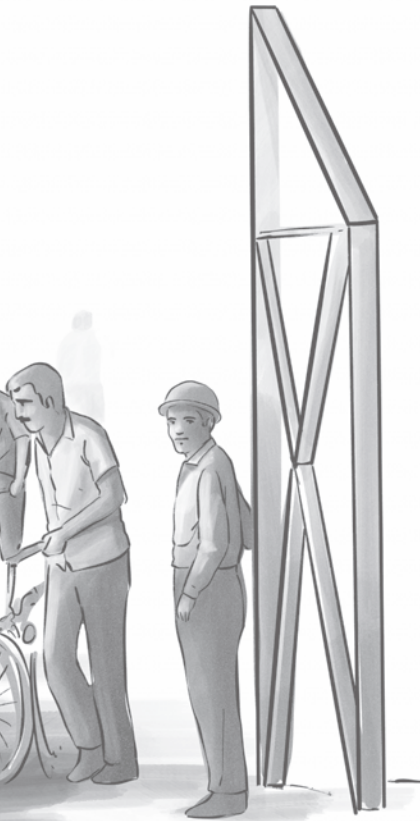
چهل خورشیدی آن قدر زیاد بود که دوستانش به او لقب گلستان نفتی داده بودند. او در شرکت نفت ابتدا فقط عکاس و گزارش‌نویس بود اما کم‌کم از امکاناتی که در اختیارش گذاشته بودند استفاده کرد و فیلم‌هایی ساخت تا توسعهٔ فعالیت‌های نفتی و پیشرفت‌های صنعت نفت در تاریخ ایران را به شکلی مستند ثبت کرده باشد.



## سفر به اعماق چاه‌های نفتی

### بوی نفت و زنگ دوچرخه

قصهٔ نفت را در تاریخ ایران، خوب است که با یک صبح مطبوع بهاری شروع کنیم، یک صبح بهاری در سال‌های دور خوزستان، نه ۱۳۳۷ که بسیار قبل‌تر از آن یعنی ۱۲۸۷ خورشیدی. آن روز مردم مسجدسلیمان، که بیشترشان کشاورز و چوپان بودند، مثل بقیهٔ روزها، بر سر کشتزارها و چراگاه‌های خودشان بودند، کاکل نخل‌ها که محبوب‌ترین درختان



جنوب‌اند، در باد تکان می‌خورد و خوزستان قرار بود با فوران چاه نفت شماره یک مسجد سلیمان، اولین چاه نفت کشف شده در ایران و خاورمیانه، قدم به دوره تازه‌ای از زندگی و تاریخش بگذارد، چاهی که در دره خرسون یا میدان نفتون حفر شد. مدت کوتاهی پس از این فوران چاه نفت در خاک ایران، انگلیسی‌هایی که کاشفان

این چاه بودند، موفق شدند به کمک برخی از محلی‌ها، زمین‌های مردم بومی بختیاری را بخرند تا روی آن زمین‌ها، کارخانه و پالایشگاه بسازند. بعد از ساختن کارخانه، بیشتر کشاورزان و چوپان‌ها و حتی عشایری که کوچ‌نشین بودند، زمین‌های باقی‌مانده و گله‌های تشنه



خودشان را رها کردند و تصمیم گرفتند کارگر شرکت نفتی بشوند  
که کمی بعد با نام شرکت نفت انگلیس و ایران شناخته شد. آن‌ها



کارگر نفت شدند تا در بقیه صبح‌های مطبوع و روشن سال‌های پیش رو، سوار بر زین دوچرخه‌هایی که شرکت به آن‌ها داده بود، بروند نفت استخراج کنند و آن را به کارخانه‌های دیگری بفرستند که می‌توانستند از آن بنزین، دارو، پلاستیک، وسایل زندگی، الیاف و چیزهای دیگری برای مردم بسازند، محصولاتی که زندگی انسان را راحت‌تر کرد و این راحتی را مرهون کوشش همین کارگرهاییم، کارگرانی با لباس‌هایی سرتاسر سرمه‌ای و کلاه‌های ایمنی و زنگ دوچرخه که مثل قصه‌ها دارند در خیابان‌هایی منتهی به شعله‌های چاه‌های تازه کشف‌شده نفت پدال می‌زنند.

## بیشتر بدانید



### مردان چوقاقپوش

ایل یا قوم بختیاری از جمله مهم‌ترین عشایر ایران‌اند، یعنی خانواده‌های بزرگی که گروهی زندگی می‌کنند و یکجانشین هم نیستند. مکان زندگی و بیلاق و قشلاق آن‌ها در طول تاریخ، غرب چهارمحال و بختیاری، بخش زیادی از خوزستان، جنوب لرستان و غرب اصفهان بوده است. آن‌ها از هزاران سال قبل مالکان و ساکنان این گستره از خاک



ایران بوده‌اند و برای همین هم همیشه فرمانروایی و فرهنگ مستقل و پویایی داشته‌اند. گویش‌شان لُری است و لباس محلی متداول مردانشان قبایی به نام چوقاست که نماد قوم بختیاری هم هست، لباسی سفید و سیاه که تا زیر زانو است، بافته شده از پشم گوسفند یا پنبه و الهام‌گرفته از معبد چغازنبیل در شوش. اگر اهل فوتبال باشید و لیگ داخلی ایران را دنبال کنید می‌دانید که بازیکنان باشگاه فوتبال نفت مسجدسلیمان هم سال‌هاست که به جز لباس رسمی‌شان که به رنگ زرد است، لباس دومی هم دارند که سفید و سیاه است و با الهام از چوقا طراحی شده است. اگر عکس‌های مربوط به نخستین روزهای کشف چاه نفت مسجدسلیمان را هم نگاه کنید، این مردان چوقاپوش بختیاری را در تاریخ نه‌چندان دور این سرزمین می‌توانید ببینید، مردان چوقاپوشی که مالکان حقیقی آن نفت گران‌بها در آن خاک بوده‌اند. آن‌ها زمین‌هایشان را با مبالغ ناچیز به انگلیسی‌ها فروختند و نفت را به تاریخ ایران هدیه کردند.



## باستان‌شناسی که یک دستش سنگ آتشنزّه بود و دست دیگرش نقشه نفت

اما تاریخ می‌گوید که این نخستین چاه نفت در مسجدسلیمان را  
سال‌ها پیش از این، یک باستان‌شناس معروف فرانسوی، ژاک دو



مورگان هم شناسایی کرده بود، او که در سال‌هایی نزدیک به همین  
صبح دل‌انگیز مسجدسلیمان، سرپرست تیم باستان‌شناسی بود  
که در شوش به دنبال تاریخ این سرزمین بودند، در جست‌وجوهایش

علاوه بر این که ارگی قدیمی، ظروفی سفالی و تعدادی سنگ چخماق پیدا کرد، متوجه شد در دره‌های این منطقه یک ماده با ارزش دیگر به نام قیر هم وجود دارد. حالا این قیر چیست؟ اگر بخواهیم یک جواب سراسرست بدهیم باید بگوییم که قیر همان نفت است که در نتیجه فشار از زیر صخره‌های نفتی بیرون می‌آید، به سطح زمین می‌رسد و در اثر تماس با هوا و آفتاب، کم‌کم از حالت مایع به حالت نیمه جامد و چسبنده قیر تبدیل می‌شود. دو مورگان اولین کسی بود که رسماً اعلام کرد زیر خاک خوزستان نفت وجود دارد. حرف دانشمند باستان‌شناس آن قدر خریدار داشت که بازرگانان و سیاستمداران را هم به تکاپو وادارد. به این ترتیب بازرگانی به نام موندولف به ویلیام ناگس داریسی، سیاستمدار معروف انگلیسی، پیشنهاد کرد تا بر روی نفت ایران کار کند. داریسی هم با دولت ایران مذاکره کرد و بعد از جلب موافقت آن‌ها، گروهی زمین‌شناس به ایران آمدند و با تأیید نظر جناب باستان‌شناس، زمینه برای کندن زمین و استخراج نفت هموار شد. با این اتفاق، نفت در تاریخ ایران تبدیل به یک موضوع مهم و حیاتی شد. اما آیا این جناب باستان‌شناس و بعد هم این زمین‌شناسان و سرمایه‌گذاران فرنگی، تنها کسانی بودند که از اهمیت نفت باخبر بودند؟ آیا تا پیش از آمدن آن‌ها به ایران مردم نفت را نمی‌شناختند؟

## واقعیت‌های جالب

سنگی که مادر آتش است

سنگ چخماق (آتشزنه) چون در برابر تأثیرات هوا و دیگر عوامل خارجی مقاوم است بهتر از هر سنگ دیگری می‌تواند معرف دوره‌های تاریخی زادگاه خودش باشد. برای همین هم هست که سنگ چخماق کار باستان‌شناس‌ها را راحت می‌کند و سنگ محبوب زمین‌شناس‌ها به شمار می‌رود. بر اساس تاریخ اساطیری، هوشنگ پسر سیامک از سلسله پیشدادیان، که وصفشان در شاهنامه فردوسی آمده، کاشف این سنگ است؛ نوشته‌اند که او با دوستانش به کوه رفته بود و مار بزرگی را دید و تصمیم گرفت با پرتاب کردن سنگی او را بکشد تا مار نیشش نزند، اما سنگ به خطا رفت و تصادفاً به سنگ دیگری برخورد کرد و آتشی پدید آمد و هوشنگ و همراهانش آن سنگ را و آتشی را که آفرید، نور خدا دانستند. راستی، اگر داستان جعبه آتشزنه هانس کریستین اندرسن را هم خوانده باشید شاید شکل دیگری از همین سنگ چخماق‌ها را به یاد بیاورید.

